

نگاهی گذرا به جریان سلفی تکفیری داعش ( قسمت سوم)

مدخل

در قسمت دوم گفته شد صفت «تکفیری» به فرد یا جریانی اطلاق می‌شود که دیگران را کافر و متهم به ارتداد می‌کند. علت و منشأ این تفکر در سیر تحول تاریخی بحث توحید و شرک و بدعت باید مورد واکاوی قرار گیرد.

دوره نخستین ظهور اسلام دوگرایش «اصحاب اثر» و عقل‌گرایان «اصحاب رأی» در تقابل هم قرار داشتند. با ظهور شافعی و گرایش به وجودکثرت احادیث منقول از پیامبر اکرم (ص) و امکان دسترسی به آن و مضیق کردن مفهوم سنت به قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) این جریان به اصحاب حدیث مشهور شد و این تفکر در آثار احمدابن حنبل تبلور یافت و در تقابل با تفکر معتزله و اشاعره تا قرن هشتم ادامه داشت.

سپس این تیمیه از علمای حنبلی در قرن هشتم به مخالفت با مذاهب و اعتقادات رایج مسلمانان عصر خود پرداخت و بسیاری از افراد و گروه‌ها و مذاهب آن زمان را تکفیر کرد. فتاوی او با هیچ یک از مذاهب حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی مطابقت نداشت. وی با نقد تفکر اشاعره نظریه بازگشت به دوران سلف را مطرح کرد و مکتب سلفیه برپایه این اندیشه او بنیان نهاده شد.

بعد از ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه، سرسختانه با علوم عقلی و فلسفی به مخالفت برخاست و قائلین به وحدت وجود، از جمله ابن عربی را تکفیر کرد.

در قرن دوازدهم محمد بن عبدالوهاب پیرو و مبلغ اندیشه‌های ابن تیمیه و مجدد نظریه تکفیر گردید. وی از راه پیوستن به حاکم محلی در عیه (محمد بن سعود) و تحریک او برای تکفیر و قتل مسلمانان، موجبات دل‌آزردگی بسیاری از مسلمانان در شهرهای مختلف حجاز و عراق و ایران و شامات و هندوستان شد و تفرق و تشنت را حاکم کرد.

در مرحله پنجم؛ به دنبال فتح کامل سرزمین عربستان توسط عبدالعزیز معروف به ابن سعود برای توسعه و تثبیت نیروی خود به ایجاد آبادی‌های و هابی دست زد و این حرکت را برای از بین بردن مظاهر شرک و آنچه بدعت در دین بود، توصیف کرد و معنای بدعت را بسیار توسعه داد.

حساسیت جدی سیاست‌گزاران سعودی در اجرای فرامین وهابیت از یک سو و جنبش اصلاحی سلفی که از سوی رهبران فکری چون محب‌الدین خطیب، محمود شکر الوسی، محمد رشید رضا در واکنش به هجوم گسترده استعمار غربی به جهان اسلام صورت می‌گرفت موجب گردید ایده تکفیر در اندیشه گروه‌های سلفی که در عقاید ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب بازتاب داشتند، به مفهومی بسیار مهمی تبدیل گردد.

### ۳- مبانی عقیدتی

بخشی از اصول اعتقادی جریان سلفی تکفیری معاصر عبارتند از:

- هر قرائتی غیر از قرائت خود از اسلام (قرائت خودساخته) را خارج از دایره اسلام می‌دانند؛
- بیان عقاید اسلامی به نحوی که در عصر صحابه و تابعین پیامبر اکرم (ص) مطرح می‌شد (ارجاع به سلف و گذشتگان).
- خلیفه محوری ( نقدناپذیر، غیرقابل عزل با قدرت بسیط) براساس اندیشه اهل سنت سلف؛
- بی اعتباری روش‌های عقلی و منطقی، نفی اندیشه‌ورزی و کفایت نصوص قرآن و احادیث خاص؛
- توسل، شفاعت و زیارت امامان معصوم و... را مردود دانسته و موجب شرک می‌دانند.

با هدف ایجاد انسجام بین جنگجویان و رهبری نیروهای عراقی در جنگ، مجلس شورای مجاهدین (با ادغام ۶ گروه جهادی در عراق) به ریاست ابو عمر البغدادی و دیگر گروه‌های جهادی (اکتبر ۲۰۰۶)، «دولت اسلامی عراق» به رهبری ابو عمر البغدادی اعلام موجودیت کرد. عملیات نظامی و تروریستی این گروه به شدت ادامه یافت و به تحکیم مواضع در استان‌های سنی‌نشین عراق پرداخته و تلفات سنگینی را نیز تحمل کردند که ناگزیر از عراق خارج و به جنگجویان جهادی در سوریه ملحق شدند. با مرگ ابو عمر بغدادی در سال ۲۰۱۰، ابوبکر بغدادی به رهبری گروه دولت اسلامی عراق انتخاب گردید. وی ضمن بازسازی و سازماندهی به فعالیت این گروه تحرک بخشید.

تظاهرات و ناآرامی‌های سوریه مورد توجه گروه‌های سلفی و جهادی قرار گرفت و ابوبکر البغدادی بخشی از نیروهایش را به سوریه اعزام کرد. این نیروها به گروه ابو محمد الجولانی در سوریه ملحق شدند و جبهه‌النصره را تأسیس کردند که هم اکنون یکی از گروه‌های قدرتمند در منازعات سوریه محسوب می‌گردد. فراخوان نیروهای جهادی از سایر کشورها برای پیوستن به جنگجویان مستقر در سوریه برای نبرد با دولت سوریه، حمایت و پشتیبانی برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (عربستان، ترکیه، آمریکا و...) و سرویس‌های اطلاعاتی این کشورها و موفقیت‌های نسبی گروه‌ها در تسلط بر بخش‌هایی از عراق و سوریه و ادغام جبهه‌النصره با دولت اسلامی عراق، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) تأسیس گردید.

سیطره داعش بر استان‌های شمالی عراق به خصوص شهر موصل موجب برخورداری و تسلط این گروه بر سرزمین، قدرت نظامی، ثروت و نقدینگی بانک‌ها شد، این وضع، به داعش امکان می‌دهد تا در این مناطق، با اعلان خلافت اسلامی کیان جدید و الگوی نوینی را متمایز از دیگر نظام‌های گفتگمانی و رویکردهای سایر جریان‌های تروریستی پایه ریزی کند پس از این تحولات، رهبران داعش از موضع رئیس یک دولت اسلامی با هواداران خود سخن گفته و ظرفیت‌های تخصصی آنان را برای اداره امور جامعه فرا خواندند.

پس از تسخیر استان‌های نینوا، صلاح الدین، الانبار در صدد تسلط بر بغداد برآمده و با تشدید عملیات در محور فلوجه و رمادی، برای سرنگونی حاکمیت شیعه در عراق یافشاری کرد. در این زمینه، هوشیاری مرجعیت شیعه، احیاء سازمان رزم مردمی با مشارکت نیروهای داوطلب و حمایت مستشاری و لجستیک جمهوری اسلامی ایران، پیشروی آنان را مهار کرد و درگام بعدی با پاکسازی این گروه از مناطق راهبردی اشغال شده و استان‌های شیعه‌نشین، رویای آنان درباره اشغال بغداد به کابوس بدل شد.

با خطای راهبردی در هجوم به مناطق کردی، کشتار اقلیت‌های مسیحی و ایزدی و اعدام عناصر وابسته به غرب در برابر دوربین‌های خبری، حساسیت آمریکا و همپیمانان اروپایی و منطقه‌ای آن را نسبت به خود برانگیخت و به روند شکل‌گیری ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا علیه داعش کمک کرد.

ضمن بهره‌گیری از احساسات ضد آمریکائی در جریان‌ها و گروه‌های اسلامی در کشورهای مختلف، توانست زمینه جذب عناصر سابقه‌دار سلفی - تکفیری و طیف‌های گسترده‌ای از طالبان پاکستان، القاعده مرکزی، القاعده یمن و گروه‌های افراطی مستقر در صحرای سینا و سایر کشورها را فراهم آورد.

با بهره‌گیری از ظرفیت حاکمیتی در مناطق تحت اشغال، توانمندی‌ها و ابزار عملیات روانی خود را ارتقاء بخشید و با نمایش صحنه‌های خشونت بار و کشتار دسته جمعی مخالفین اعم از شیعه، سنی، مسیحی و اتباع کشورهای غربی راهبرد بهره‌گیری از سیاست ارباب برای پیشرفت طرح‌های عملیاتی را در دستور کار خود نشانید.

بخشی از نیروهای داعش از طریق کشورهای خارج از سوریه و عراق با آن بیعت کرده و به گروه پیوستند. استفاده از نیروهای کارآمد و آموزش دیده در صحنه‌های عملیاتی سوریه، به تشکیل هسته‌های عملیاتی به نام کتائب الحق در حوزه‌های خارجی به خصوص مصر، لیبی و... منجر شد و دستور انجام عملیات علیه ارتش و نظام‌های حکومتی این کشورها را صادر کرد.

برای آسانی در جابجایی نیروها و سلاح، راهبرد دستیابی به مرز آبی و آب‌های آزاد را در نظر گرفت و تسلط بر مناطق سنی‌نشین شمال لبنان و دستیابی به بندرگاه شهر طرابلس لبنان را در اولویت نهاد. در این راستا، سران داعش ضمن نفوذ در بین گروه‌های

تروریست مستقر در قلمون و حلب و تعیین امیر برای فرماندهی واحدهای عملیاتی، ظرفیت نوینی در غرب سوریه برای عبور از مرزهای لبنان و متصل کردن حوزه های نفوذ خود به یکدیگر در شمال لبنان ایجاد کرد.

ایجاد تیم های ترور در درون خاک لبنان برای هدف قرار دادن مقرهای ارتش، حزب الله و سفارت خانه های خارجی مستقر در این کشور، هم چنین ترور شخصیت های بارز اهل سنت در چارچوب دامن زدن به فتنه طایفه ای را در دستور کار قرار داد.

##### ۵- گسترش گروه های تکفیری

روند تکثیر گروه های افراطی طی سال های اخیر فزاینده بوده است. شمار گروه های مختلف مسلح در منطقه (که طیفی از رویکردهای به نسبت معتدل تا بسیار خشن را شکل می دهند) بیش از صدها گروه کوچک و بزرگ برآورد شده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

در دو استان درعا و قتیطره در جنوب سوریه ۳۵ گروه افراطی اعلام موجودیت کرده اند که نظامیان فراری ارتش این کشور آنها را فرماندهی می کنند، این گروه ها از سوی ستاد عملیاتی مستقر در خاک برخی کشورهای همسایه سوریه مدیریت و حمایت می شوند.

دست کم هفت جریان مسلح در صحرای سینا شناسایی شده است که ضمن بیعت با ابوبکر البغدادی (خلیفه خود خوانده داعش)، علیه ارتش و نظام مصر اعلام جنگ کرده اند.

جریان سلفی - تکفیری لیبی، گوی سبقت را از چهارکانون اصلی قدرت در این کشور ربوده است و بیشترین ظرفیت های نظامی را در اختیار دارند. این جریان با اعزام عناصر نظامی، فنی - مهندسی و کادر پزشکی به عراق و سوریه علاوه بر کمک به داعش، برای آموزش و افزایش ظرفیت های سازمانی خود برنامه ریزی کرده اند. نیروهای عملیاتی جریان های تکفیری در لیبی تنها از اتباع این کشور نبوده است، بلکه عناصری از الجزائر، سومالی، افغانستان، عراق و سوریه را نیز در اختیار دارند. ولی بیشتر فرماندهان گردان های عمل کننده، لیبیایی هستند که در جنگ های افغانستان، عراق و سوریه شرکت کردند و بسیار کار آزموده هستند.

گروه های موسوم به «ائتلاف فجر لیبی» با برگرفتن شعارهای افراطی در مناطق غربی این کشور فعال هستند؛ همچنین گروه های انصار الشریعه، درع لیبیا و ائتلاف جیش شباب الاسلام که در بیعت با ابوبکر البغدادی هستند، در شرق لیبی فعالیت می کنند و زرادخانه تسلیحاتی نیز دارند.

در الجزائر گروه های مهم و مرتبط با القاعده و گروه های تکفیری از جمله، جبهه الصحوه الحره، الجماعه السلفیه للدعوه و القتال، جبهه انقاذ، جماعت اسلامی (جیا) و هابیت به رهبری ابوعبدالله المعز که در مساجد و در میان ائمه جماعات نفوذ چشم گیری دارند، با رویکردهای رادیکالی نقش آفرینی می کنند و خون مخالفین خود را مهدور انگاشته و به کشتن آنها فتوا می دهند.

حضور نیروهای چینی مرتبط با جوهر دودایف به رغم نزدیکی آنها به تشیع، در میان جریان های تکفیری - سلفی نیز موضوع درخور تامل است. آنها پس از خود مختاری چین در زمان روی کار آمدن پوتین به سوی داغستان مهاجرت کردند، و بخشی نیز در قالب دولت اسلامی قفقاز در حال جنگ هستند. جای شگفتی است که چگونه چنین های شافعی مذهب و صوفی مسلک با تلاش های برخی کشورهای همسایه روسیه و هزینه های عربستان، جذب جریان های تند تکفیری شده اند.

در فاصله بین شهریور ماه تا بهمن ۹۳ فعالیت های مختلف داعش در افغانستان گسترش یافته است. مسئولین دولتی در پاکستان و افغانستان نسبت به گسترش فعالیت های داعش در این دو کشور اعلام نگرانی کرده اند. حضور ارتش پاکستان یک مانع جدی برای حضور داعش در این کشور است. از سوی دیگر، انتصاب امیر خراسان و بیعت او با ابوبکر بغدادی می تواند گویای این نکته باشد که هدف اصلی داعش کشورهای پاکستان و افغانستان نیست، هر چند برای رفتن به آسیای مرکزی به پاکستان و افغانستان به منزله پل ارتباطی نیاز مبرم دارند. گروه طالبان و گروه های همسو در صحنه افغانستان جریان غالب است. ولی مرگ «ملا عمر» و کشته شدن جانشین وی «اختر محمد منصور» (ملا اختر) در افغانستان می تواند انشعابات و چندگانگی را در درون طالبان در پی آورد و نیز جریان های جدیدی را ایجاد کند.

گروه های تکفیری دامنه جذب نیرو و سربازگیری خود را حتی به اروپا و کانادا و استرالیا گسترش داده اند. داعش با راه اندازی هسته های جذب در اروپا گوی سبقت را از سایر گروه های تکفیری ربوده است. جماعت مهاجر در انگلیس و

مجموعه فرسان العزه در فرانسه و جماعت ملت ابراهیم در المان نمونه ایی از ان است . و این درحالی است که بر اساس گزارش مرکز بین المللی بررسی خشونت و افراطی گری سیاسی (ICSR) در بازه زمانی اکتبر ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۵ کشورهای غربی سهم عمده و اصلی در تشکیلات داعش داشته اند.

در بازه زمانی فوق در اروپا، تعداد فرانسوی تباران پیوسته به گروه تروریستی داعش در آماری نگران کننده تقریباً سه برابر پیش از مقطع زمانی مورد بررسی شده است. تعداد تروریست های فرانسوی تبار عضو داعش در اکتبر ۲۰۱۴ حدود ۴۱۲ نفر بوده و این در حالی است که تعداد یک هزار و ۲۰۰ نفر فرانسوی در سه ماهه منتهی به ژانویه ۲۰۱۵ عضو داعش شده اند.

مانوئل والس نخست وزیر فرانسه امروز در مصاحبه با رادیو اروپای ۱ گفت: تا کنون ۸۰ فرانسوی تبار داعشی کشته شده اند و حدود یک هزار و ۴۰۰ نفر از فرانسوی تباران شناسایی شده اند که با این شبکه های تروریستی ارتباط دارند.

آلمان دومین کشور اروپایی است که سهم عمده ای را در صدور تروریسم به سوریه و عراق ایفا کرده است. ۶۰۰ آلمانی تبار در حالی در سه ماهه مورد مطالعه به داعش پیوسته اند که تعداد آلمان های عضو این گروه تروریستی در اکتبر ۲۰۱۴ حدود ۲۴۰ نفر بوده است.

همچنین تعداد مهاجران اروپایی به مناطق تحت سیطره داعش از انگلیس، بلژیک، نیوزیلند، سوئد، فنلاند، دانمارک و نروژ افزایش یافته است. (جام جم آنلاین)

ادامه دارد.....